بیانات در دیدار هزاران نفر از زنان نخبه و فعال در عرصه های مختلف - 13 /تیر/ 1386

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم
اولاً میلاد باسعادت بانوی بزرگ و چهره ی درخشنده ی همه ی تاریخ بشر در میان زنان، حضرت زهرای اطهر (سلام اللّه علیها) را به شما خواهران عزیز و دختران عزیزم تبریك عرض میكنم. همچنین تصادف این روز بزرگ را با ولادت امام عزیز و بزرگوارمان - كه این عزیز و این بزرگوار هم نقطه ی عطفی است در نگاه به مبانی اسلامی در همه ی زمینه ها، از جمله در مقوله ی مربوط به مسأله ی زن و بانوان - خدمت شما عزیزان، خواهران و دختران و فرزندان خودم تبریك عرض میكنم.
امروز جلسه ی خوبی بود. این جلسه از نظر من جلسه ی بسیار خوب و مفید و دلنشینی بود ؛ هم برای من، هم برای كسانی كه بعداً از این جلسه مطلع خواهند شد و گزارش آن را خواهند دید. تقریباً دو ساعت بیانات بانوان محترم را من شنیدم. عمده ی مقصود هم همین بود ؛ یعنی دو غرض از تشكیل این جلسه تعقیب میشد: یكی همین بود كه از زبان برگزیدگانی از جامعه ی بانوان كشور، برخی از مسائلی كه به نظر آنها مهم است، علناً مطرح شود ؛ بخصوص در مقوله ی موضوعات مربوط به زن، و این كار انجام گرفت. همه ی سخنرانهای امروز دارای ذهنیت بالا، قوی، منطقی، منظم و صاحبِ نظر در موضوعی كه مطرح كردند، بودند ؛ این برای من بسیار مطلوب و جالب بود. من خلاصه ای یا اشاره ای از مطالب این خانمها اینجا یادداشت كردم كه بعد ان شاءاللّه به كار من خواهد آمد. مطالبی كه مطرح شد - بخصوص بعضی از آنها - بسیار پُرمغز و قابل توجه بود. این یك غرض و مقصود.
مقصود دوم هم نگاه نمادین به این جلسه است. همانطور كه بارها من اشاره كرده ام، در مسأله ی زن از دنیا طلبگاریم ؛ ما مدعی دنیائیم. حالا مؤسسات وابسته به سازمان ملل یا غیر آنها یا فلان مجموعه ی روزنامه نگار بیایند به اسم حقوق بشر، موضوع حجاب و بعضی از این قبیل چیزها را زیر سؤال بكشند و اظهار طلبگاری كنند، این واقعیت قضیه را عوض نمیكند. ما از دنیا طلبگاریم. دنیا كه عرض میكنم، یعنی دنیای غرب. ما هستیم كه به دنیا خطاب میكنیم و میگوئیم: شما به بشریت عموماً و به زن خصوصاً خیانت كرده اید ؛ با كشاندن زن و مرد به وادی ابتلائات جنسی و برافروختن و دامن زدن به آتش زیاده روی های جنسی بی قانون و بی نظم در جامعه، با آوردن زن به شكل متبرج به وسط میدان. معلوم است كه زن، آن بخش زیبای آفرینش بشر است. این بخش زیبا به طور طبیعی با اندكی در پرده بودن همراه است ؛ این خاصیت این بخش زیبا و لطیف وجود انسانی است. این پرده را دریدن و آنچه را كه باید با نظم و قانون پیگیری شود - آن نیاز غریزی انسانی، چه در زن و چه در مرد - بی قانون و بی نظم در جامعه رواج دادن، بزرگترین خیانتی است كه در درجه ی اول به زن و در درجه ی بعد به همه ی بشریت - زن و مرد - انجام گرفته ؛ این كار را سیاستهای غربی كرده اند. البته اولین ضرر و بزرگترین ضرر را هم خودشان برده اند. الان مسأله ی همجنس گرائی در دنیای غرب یكی از ابتلائات است. البته به رو نمی آورند ؛ اما حقیقت قضیه این است كه امروز برای اندیشمندان و آنها یكی از دردهای بزرگ و غیرقابل علاج شده است ؛ چاره ای هم ندارند. آنطور حركت كردن، آنطور ادبیاتِ پرده درانه و عریان در زمینه ی مسائل جنسی و ارتباط زن و مردم را به میان آوردن، آنطور جنس زن را - یعنی همان بخش زیبا و لطیف و مستور و در پرده ی وجود بشر را - برای شغل، برای تبلیغات، برای كار، به میدان كشاندن، از لبخند او، از زیبائی های او، از جسم او، از چهره ی او برای ترویج فلان جنس بی ارزش و پست، برای به دست آوردن پول استفاده كردن، این چیزها را هم دنبال خودش دارد ؛ طبیعی است. این كارها را دنیای غرب كرده، این كارها را سیاستهای غربی كرده اند ؛ مربوط به ادیان هم نیست، مربوط به مسیحیت و یهودیت هم نیست ؛ مربوط به سیاستهای جدیدی است كه از حدود صد و پنجاه سال پیش - حالا دقیق نمیتوانم عرض كنم - در دنیا رایج شده.
شما ادبیات كشورهای اروپائی را در قرون هجده و نوزده و نگاهشان به زن را ببینید ؛ مطلقاً تفاوت دارد با آنچه كه در قرن بیستم و در نوشته ها و ادبیات قرن بیستم، انسان می بیند نسبت به زن، آنها پیگیری كرده اند. آن روز

نگاهشان، نگاه نجیبانه تر، شرم آلودتر و متناسب تر با طبیعت زن و مرد بود. معلوم میشود این کار سیاسی حالا از طرف صهیونیست ها بوده، از طرف دستگاه های استعمارگر بوده ؛ اینها احتیاج به تحقیق و کار دارد. این همین طور بتدریج روزبه روز شدت پیدا کرده تا به وضعی که امروز ملاحظه میکنید، رسیده. بنابراین دنیای غرب باید پاسخگو باشد ؛ چون به زن ضربه زده اند ؛ به حقوق زن تجاوز کرده اند ؛ ارزش زن را تنزل داده اند ؛ به اسم طرفداری، به او خیانت کرده اند. این مطلبی است که ما داریم.

در زمینه ی حقوق اسلامی، خانمها بعضی اظهاراتی کردند، که درست هم هست ؛ جا برای کار و بیان و تبیین فراوانی دارد. من تصدیق میکنم مطالبی را که بعضی از خانمها بیان کردند و گفتند ما در تقابل با تبلیغات معارض - از جمله تبلیغات فمینیستی - آنچنان که باید، کار درستی، کار قوی ای، کار پُرحجمی و با کیفیتهای بالا نکرده ایم. من از همین جا به دستگاه های تحقیقاتی، به پژوهشگاه ها، به دانشگاه ها، به حوزه های علمیه و به صاحب نظران توصیه میکنم و از آنها مطالبه میکنم که در این زمینه کار کنند. مسأله، مسأله ی مهمی است. ما اگر در مسأله ی زن در کشور خودمان خوب کار کنیم، این خدمت به جامعه ی زنان در همه ی دنیاست ؛ خدمت حقیقی است به مجموعه ی زنان در همه ی عالم. حالا ممکن است بعضی ارزش این خدمت را امروز بفهمند، ممکن است بعضی سالها بعد بفهمند ؛ لیکن اگر خوب کار کردیم، این خدمت به آنهاست.

آنچه که من میخواهم عرض کنم، دو سه نکته ی کوتاه است که یادداشت کردم بگویم ؛ همانها را عرض میکنم.

یکی اینکه نفس وجود این مجموعه ی بانوان نخبه در رشته های مختلف - که همه ی بانوان نخبه هم در این جمع خلاصه نمیشود ؛ شما نمونه ای از نخبگان زن در سرتاسر کشور هستید - نشان دهنده ی موفقیت نگاه نظام اسلامی و نگاه اسلام به زن است. ما این همه زن نخبه در دوره ی حاکمیت طاغوت نداشتیم. این، حرف من است و بر این اصرار دارم. امروز عدد مطلق و نسبی محققین زن، اساتید زن، دانشمندان زن در رشته های مختلف، متفکرین و نویسندگان زن که در رشته های گوناگون فکر می کنند، صاحب نظرند و قلم میزنند، ادبای زن، شعرای زن، هنرمندان زن - قصه نویس ها، شاعرها، نقاش ها - بمراتب بیشتر از دوره ی طاغوت است ؛ یعنی آن دوره ای که به نام طرفداری از زن، حجاب و عفاف و وجود فاصله ی بین زن و مرد را بکلی از بین برده بودند و روزبه روز هم این بی بندوباری را ترویج میکردند ؛ حتّی در مواردی از کشورهای اروپائی هم بدتر و تندتر عمل میکردند. امروز ما در نظام جمهوری اسلامی و زیر پوشش حجاب، زیر چادر، زیر مقنعه، این تعداد عظیم نخبه ی فکری، علمی، عملی، فعال سیاسی، صاحب نظران فرهنگی و هنری داریم. آن روز بخشی از بخشها و بعضی از ابعاض این مجموعه را هم ما نداشتیم ؛ بسیار محدود بودند. این، یك نظریه ای درست عکس آن چیزی را که درصدد بودند القاء کنند، احیاء میکند و او اینکه آن کیفیت ترویج بی بندوباری نه فقط به معنای رشد دادن به زن، به معنویات زن، به استعدادهای زن نیست، بلکه سرگرم کردن زن به آنچه که لوازم آن، کیفیت زندگی است - آرایشهای گوناگون و گرفتاری های گوناگونِ جنبی ای که این کارها دارد - خودش مانع حرکت به سمت کمال و تعالی زنان است.

در نظام اسلامی محدودیتی که به وجود می آید، که این محدودیت بر طبق فطرت انسانیِ زنانه است ؛ هم برای مردها محدودیت است، به یك کیفیتی ؛ هم برای زنها به کیفیت دیگری محدودیت است، کمك کننده ی به این است که نیروهای آنها هرز نرود و حتی المقدور در جهت درستی به کار بیفتد ؛ که آن وقت نتیجه اش میشود رشد فکری و علمی و عملی در جامعه ی زنان، که امروز شاهدش هستیم. این نکته ی اول. اینکه گفته میشد - و البته هنوز هم بعضی ها با غفلتِ تمام میگویند - مگر میشود با حجاب و با رعایت حدود شرعی و اسلامی، جامعه ی زنان رشد کند، تکلیف مسأله ی زن در نظام اسلامی چه میشود، این جواب عملی اش، جواب عینی اش، همین وجود مجموعه ی عظیم نخبگان زن در جامعه ی ماست، که هیچ وقت ما در کشور چنین وضعی را نداشتیم ؛ در دوره ی طاغوت هم نبوده، قبل از آن هم که وضع تعلیم و تربیت از جهت دیگری اشکال داشته. امروز در نظام اسلامی بحمدالله این فراهم است. حالا تعداد بیشتر برگزیدگان دختر در دانشگاه ها و امثال آن، اینها مسائل درجه ی دو است ؛ مسأله ی درجه ی یك این است که همین مجموعه ی زنان نخبه توانسته اند در نظام جمهوری اسلامی در بخشهای مختلف بدرخشند.

نکته ی دیگر این است که ما در کشورمان شاهد هستیم که بعضی از فعالان زن و بعضی از مردها تلاش میکنند برای هماهنگ شدن با کنوانسیون های جهانی مرتبط با زن، و با احکام اسلامی وَر بروند و بازی کنند و کم و زیاد کنند ؛ این غلط است. من نمیخواهم بگویم همه ی آنچه که در فقه ما در مورد احکام مربوط به زنان مطرح شده است، حتماً سخن آخر است ؛ نه، ممکن است با یك تحقیقی در یك زمینه ای که به وسیله ی فقیه ماهر و مسلطی انجام بگیرد، فلان حکم فقهی که امروز در مورد زن وجود دارد، دچار تغییر شود ؛ این اشکالی ندارد ؛ این ممکن است و اتفاق هم افتاده. در همین مسأله ی ارث زن از زمین و غیر منقول - که خانم اشاره کردند - نظر فقهی بعضی از بزرگان قدیم و امروز نظر فقهی خود ما هم همین است که آنچه منع از میراث شده، عین قیمت آن زمین بلاشك حق همسر و زوجه است و ارث میبرد ؛ اشکالی هم ندارد. بنابراین در مسائل فقهی چنین چیزی امکان دارد که ما بگوئیم این تغییر پیدا میکند ؛ لیکن آنچه که باید در زمینه ی مسائل فقهی انجام بگیرد، کار فقهی به وسیله ی فقیه ماهر و مسلط به مبانی فقهی است ؛ آن هم با نگاه به متد فقه، به شیوه ی استفاده ی فقاهتی ؛ نه اینکه کسی بر طبق میل خودش، برای انطباق با آنها، برای اینکه خودش را هماهنگ کند با فلان معاهده ی جهانی، فلان کنوانسیون جهانی - که فراهم آورندگانش با مردمی که در این سرزمین با مبانی اسلامی زندگی میکنند و اعتقاد به مبانی اسلامی دارند، اصلاً از لحاظ مبانی فکری متفاوتند - بیاید از گوشه ی احکام اسلامی بساید و ببُرّد ؛ این کاملاً غلط است ؛ اصلاً قابل دفاع نیست. بدون تردید آنچه که در احکام اسلامی و در فقه اسلامی مطابق مصلحت آمده است، همین هاست، و همین درست است ؛ که با یك مداقه و در بخشهای مختلف، این معلوم میشود.

خواهران عزیز، کسانی که در زمینه ی مسائل زنان فعالند و فکر میکنند و کمبودهائی را ملاحظه میکنند، راه علاج را این نبینند که ما در احکام فقهیِ اسلامی تصرف کنیم ؛ نه، احکام فقهیِ اسلامی آنجائی که با تحقیق استنباط شده و منطبق با مبانی اسلامی است، کاملاً درست و مطابق با مصلحت است. نباید ما به خاطر اینکه در فلان مجمع جهانی، در فلان اجلاس بین المللی، فلان چیز تصمیم گیری شده و فلان کنوانسیونِ مثلاً جهانی به وجود آمده، ما بیائیم با نگاه تنگ نظرانه و آمیخته ی با رعب و مرعوبیت، در تفکرات خودمان و فقه خودمان تصرف کنیم ؛ این هم به نظر من درست نیست.

نکته ی دیگری که در بیانات خواهران هم تکرار شد، این است که در مسأله ی زن آنچه که در درجه ی اول اهمیت قرار دارد، مسأله ی «خانواده» است ؛ نقش زن به عنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه ی نقشهائی که زن میتواند ایفاء کند، این اهمیتش بیشتر است. البته بعضی ها اینطور حرفها را در همان نظر اول با شدت رد میکنند و میگویند آقا شما میخواهید زن را توی خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه های زندگی و فعالیت باز بدارید ؛ نه، به هیچ وجه قصد ما این نیست ؛ اسلام هم این را نخواسته. اسلام وقتی که میگوید: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»، یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند ؛ زن را استثناء نکرده. ما هم نمیتوانیم زن را استثناء کنیم. مسئولیت اداره ی جامعه ی اسلامی و پیشرفت جامعه ی اسلامی بر دوش همه است ؛ بر دوش زن، بر دوش مرد ؛ هر کدامی به نحوی بر حسب توانائی های خودشان. بحث سر این نیست که زن آیا میتواند مسئولیتی در بیرون از منزل داشته باشد یا نه - البته که میتواند، شکی در این نیست ؛ نگاه اسلامی مطلقاً این را نفی نمیکند - بحث در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همه ی چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون از محیط خانواده برای او ممکن است تصور شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ ما روی این نقش تکیه میکنیم. من میگویم مهمترین نقشی که یك زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت میتواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یك مادر و به عنوان یك همسر میتواند ایفاء کند ؛ این از همه ی کارهای دیگر او مهمتر است ؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمیتواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است ؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است ؛ سَکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری ها و بی تابی ها و

تلاطم ها به این وابسته است ؛ این را نباید فراموش کنیم.
این هنری نیست که زن کار مردانه را تقلید کند ؛ نه، زن یك کار زنانه دارد که ارزش آن از هر کار مردانه ای بیشتر است. امروز دستهای بشدت مشکوك موج ضد ارزشی را در دنیا به راه انداخته اند - که در همه جا هست، در کشور ما هم متأسفانه در گوشه و کنار دیده میشود - اینها میخواهند زن را وادار کنند به اینکه بشود یك مرد! این را کسر شأن زن میدانند که چرا فلان کارها را مرد میکند، زن نکند! این کسر شأن است؟ نگاه به این مسأله، نگاه غلطی است. این را عیب میگیرند که چرا شما میگوئید زن، زن است ؛ مرد، مرد است. خوب، مگر اینطور نیست؟ شما دلتان میخواهد که ما بیائیم بگوئیم زن، یك مرد است ؛ آن وقت یك مرد مصنوعی ؛ کپی دوم مرد! این چه افتخاری است برای زن؟ افتخار برای زن این است که یك زن باشد ؛ یك زن کامل، یك مؤنث کامل. در مقام ارزشگذاری های والا اگر نگاه کنیم، این ارزش - یك زن کامل بودن - از یك مرد کامل بودن کمتر که نیست، در مواردی قطعاً بالاتر و بیشتر هم هست. ما چرا این را از دست بدهیم؟
البته مسئولیتهائی هست که مشترك است. همانطور که گفتیم، مسئولیت حضور در جامعه و فهمیدن دردهای عمومی جامعه و سعی در علاج دردهای عمومی جامعه، مخصوص مرد و مخصوص زن نیست ؛ زنها هم نمیتوانند شانه شان را از این مسئولیت خالی کنند. اگر زنها باید در این زمینه کاری انجام بدهند، البته باید انجام بدهند - محدودیتی هم وجود ندارد - اما مسئولیتهای اختصاصی هم، یعنی آن کاری که خدای متعال به حسب طبیعت به عهده ی زن قرار داده، مهم است.
به هر حال شما زنان نخبه ی کشورید ؛ چه آنهائی که در اول کار و اول راه هستید - یا دانشجوئید، یا در دوره های اول کار هستید - چه آنهائی که چندین سال کار کردید، زحمت کشیدید. بدانید امروز زنان کشور ما مسئولیتشان سنگین است. مسئولیت مضاعفی که امروز شما دارید، همین است که نگاه غلط به مسأله ی زن و مرد را تصحیح کنید. نگاهی که امروز دنیای غرب سعی میکند در مسأله ی زن و مرد القاء کند، نگاه غلطی است، نگاه باطلی است ؛ این به پایمال شدن ارزشهای بسیاری در جوامع بشری منتهی خواهد شد، که الان دارد گوشه هائی از آن نشان داده میشود، دیده میشود، و در جوامع ما به طریق اولی. این نگاه را باید تصحیح کنید. البته این را هم عرض بکنیم ؛ شعارها و بافته های ذهنی غربی ها در مورد زن، هیچ نتوانسته جلوی ظلمی را که در خانواده و بیرون خانواده در طول تاریخ به زنها میشده - که هنوز هم میشود - بگیرد. اگر فرض کنیم بشود در جامعه ای از مظلومیت زنان - که این مظلومیت هم یك علل طبیعی و قهری دارد - جلوگیری کرد، فقط در سایه ی اخلاق و قانون و تهذیب و تهذب مردان است. اما امروز در غرب مطلقاً از این خبری نیست. آزار زنان، فشارهای گوناگون جسمانی و آزارهای روحی بر زنان در غرب، آمارهائی که الان دارند میدهند، بمراتب از کشور خود ما و از جاهائی که ما اطلاع داریم، بیشتر است. بنابراین جلوی آن مشکل را هم نتوانستند بگیرند، از این طرف هم این همه ضایعه ایجاد کردند.
ما باید در مورد مسأله ی زن نگاه جامع داشته باشیم، و این نگاه جامع در اسلام هست. مسأله ی ارزشگذاری به اصالت زن، زن بودن، برای زن یك ارزش والاست ؛ یك اصل است. به هیچ وجه تشبه به مردان برای زن ارزش به حساب نمی آید ؛ همچنان که برای مردها تشبه به زنان ارزش به حساب نمی آید. هر کدام نقشی دارند، هر کدام جائی دارند، جایگاهی دارند و طبیعتی دارند و مقصودی از وضعیت خاص آنها در آفرینش حکیمانه ی الهی مورد نظر بوده که این مقصود باید برآورده شود ؛ این مسأله مهم است.
امروز شما خانمها میتوانید در این زمینه نقش ایفاء کنید ؛ هم تحقیق کنید، هم بنویسید، هم ترویج کنید، هم عملاً نشان بدهید. البته این را من بارها گفته ام، الان هم میگویم ؛ در جوامع ما هم - یعنی جوامع اسلامی و جامعه ی ایرانی خود ما - متأسفانه مثل جوامع غربی یك بی عدالتی در ارتباطات خانوادگی زن و مرد وجود داشته ؛ عمده هم مربوط به داخل خانواده است ؛ این باید جلویش گرفته شود. یك مقداری با نصیحت امکان پذیر است ؛ یك مقداری اش هم با نصیحت ممکن نیست، با ضرب و زور قانون باید جلویش گرفته شود. زنان، مظلوم واقع میشوند. مرد چون از لحاظ جسمانی و برخی از خصوصیات دیگر توانائی های بیشتری دارد، در مواردی از این توانائی ها سوء استفاده میکند و زورگوئی میکند ؛ این باید جلویش گرفته شود. این کار با قانون امکان پذیر است ؛ البته همانطور

که عرض کردیم، با تهذیب و اخلاق مردان هم امکان پذیر است.
تصویر کیفیت برخورد زن و مرد در اخلاق اسلامی و قانون اسلامی هم به نظر ما بایستی بیشتر رویش کار شود.
بعضی متدین هم هستند، اما چون با مفاهیم اسلامی درست آشنا نیستند و اخلاقیات مرتبط با روابط زن و مرد را در اسلام درست نمیدانند، تدینشان موجب نمیشود که از غلظتشان کم شود، از تحکم و زورگوئی شان بکاهد ؛ نه، هم متدینند، هم آن تحکمها و زورگوئی ها را دارند ؛ این هم باید اصلاح شود. اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد - بخصوص در داخل خانواده - باید مورد توجه قرار بگیرد. البته مسأله ی حجاب خیلی مهم است. من مسأله ی حجاب را واقعاً مهم میدانم. اهمیت مسأله ی حجاب در جاهای باواسطه ای خودش را نشان میدهد ؛ از جمله در مسأله ی خانواده خودش را نشان میدهد.
به هر حال از دیدار امروز ما خیلی خوشوقتیم. خدا را شاکریم از اینکه این همه خواهران خوب بحمدالله در این زمینه ها فعالید ؛ اهل فکر و کار هستید. امیدواریم روزبه روز خداوند بر توفیقات شماها بیفزاید.
والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته